

سخنرانی کم‌تر دیده شده مقام معظم رهبری در دومین سالگرد شهادت  
آیت‌الله سیدمصطفی خمینی

بزرگداشت خاطره پُرشکوه شهادت فرزند برومند رهبر عزیز ما از دو نظر برای  
ما هیجان‌انگیز است؛ از دو نظر برای ما وظیفه است. نخست از این نظر که  
فرزند و پاره تن و جگرگوشه رهبر ما است. ملت ایران ثابت کرده است که رهبر  
خود را از همه چیز، از همه کس، از همه انگیزه‌ها، از همه جهت‌گیری‌ها  
بیش‌تر دوست می‌دارد؛ ثابت کرده است که قدر رهبرش را می‌داند؛ این فریاد  
را ملت ما آن‌چنان در فضای خفه و مه‌آلود و مسموم جهان طنین‌انگیز و  
رعدآمیز ادا کرد که حتی دشمنان هم نتوانستند درباره آن اندک تردیدی به  
خود راه بدهند؛ آن‌ها نیز که نمی‌توانستند رهبری بزرگ‌ترین انقلاب نیم قرن  
اخیر - قرن انقلاب‌ها و جنبش‌ها و جوشش‌ها و جهش‌ها - را در سطح جهان، در  
اختیار مردی روحانی، مردی آسمانی، در اختیار این امام و رهبر بزرگ ببینند  
و این واقعیت را بپذیرند در مقابل فریاد رعدآسای ملت ایران خاضعانه تسلیم  
شدند. ملت ایران توانست این فریاد را - که دنیا ناباورانه به آن می‌نگریست و به  
آن می‌اندیشید - تا اعماق زوایای جهان غرب برساند؛ ملت ایران ثابت کرد که  
این رهبر را می‌شناسد، او را می‌پسندد، او را با همه‌ی وجود دوست می‌دارد.

او برای ملت ایران از همه چیز و همه کس عزیزتر است و امشب سالگرد درگذشت و شهادت فرزند برومند عالی‌قدر او است. ملت ایران رهبر خود را بزرگ می‌شمارد و خاطره غم‌انگیز این شهادت را ارج می‌نهد، عزاداری می‌کند و این را به‌عنوان نقطه عطفی در تاریخ می‌شمارد و به آن ارج می‌نهد.

از سوی دیگر این خاطره بزرگ از جنبه انتساب به این رهبر که بگذرد، یک حادثه تاریخی است؛ مردم مسلمان ما فراموش نکرده‌اند که در دو سال قبل پیش از این که این حادثه به وقوع پیوندد، وضع سیاسی ایران چگونه بود، صف‌بندی‌ها چگونه بود؛ فراموش نکرده‌اند که مبارزان راستین و به‌حق در چه وضعیتی دشواری به سر می‌بردند. دل‌های پُرمحبت و پُرصمیمیت مردم به یاد این انقلاب، به یاد این رهبر و به یاد مبارزان راستین می‌تپید، اما مبارزان راستین تنها بودند. ملت اگرچه بالقوه در #خط\_انقلاب بود، اما این اقیانوس هنوز آن‌چنان که باید متلاطم نشده بود؛ به تلاطم آوردن یک اقیانوس، کار مشکلی است. یک استخر را هر انسانی می‌تواند به تلاطم دریاورد، در آن موج ایجاد کند، اما یک اقیانوس را فقط طوفان‌های سهمگین می‌توانند تکان بدهند. این طوفان سهمگین حادثه‌ای بود که در دو سال قبل اتفاق افتاد؛ یک #شهادت\_بزرگ و در برابر آن یک صبر بزرگ. (بیانات در مسجد اعظم قم به‌مناسبت دومین سالگرد شهادت آیت‌الله سیدمصطفی خمینی، 1358

در حالی که زن و مرد ما از اندوه این حادثه بزرگی گریستند، در حالی که دوستان و آشنایان و حتی ناآشنایان، عظمت و عمق حادثه را درک می‌کردند و دردمندانه زبان به افسوس می‌گشودند، پیام رهبر از فرسنگ‌ها راه با یک دنیا امید می‌رسید و رسید؛ این دل بزرگ، این روح بزرگ، این #روح\_خدا با صبری بزرگ به این حادثه شکوه ابدی بخشید. مرگ مصطفی #لطف\_خفی\_الهی بود؛ این است برداشت یک انسان الهی، یک انسان ملکوتی، رهبری که بر دل‌ها حکومت می‌کند پیش از آن که بر ذهن‌ها؛ رهبری که صبرش، منش انسانی و روحانی و عرفانی‌اش، دل‌های سنگ‌دل‌ترین انسان‌ها را هم تحت نفوذ می‌آورد که این دیگر در قالب هیچ فرمول مادی قابل گنجایش نیست.

آن‌ها که در مسائل ایران انگشت به دهان و متعجب مانده‌اند، باید بدانند که برای تحلیل حوادث ایران، برای تحلیل #مبارزه\_ایران، برای شناختن این جریان بزرگ و این حادثه بزرگ همه این گوشه‌های ناشناخته را باید شناخت. گمان نکنند که رهبری این امت، رهبری اسلامی، رهبری معنوی، رهبری روحانی، آن نفوذ کلام، آن توکل بی‌پایان، قابل مقایسه با رهبری‌های دیگر و قابل تقلید است؛ نه، قابل تقلید نیست. این صبر بزرگ در مقابل این حادثه بزرگ، ملت را تکان داد؛ این اقیانوس را به تلاطم آورد. خود حادثه می‌توانست

بزرگ باشد اما منش این پدر در مقابل این حادثه او را ده‌چندان بزرگ کرد و ملت ناگهان خمینی خود را شناخت. روح‌های بزرگ و دشوار و تسخیرناپذیر در مقابل این روح بزرگ‌تر به زانو درآمدند و همه آمنا و صدقنا گفتند. [او] نشان داد که رهبر است؛ نشان داد که ابرمرد است؛ نشان داد که انسانی والا است و حادثه آغاز شد.

تحلیل درست حوادث ایران این است و جز این نیست. جریان‌های سیاسی دنیا جریان‌های عظیمی که در ارگان‌های بالای #امپراتوری‌های\_قدرت\_سیاسی به وجود آمد، برای همه روشن و قابل توجیه است؛ اما این مسائل همه‌جا به وجود آمد تا هرجایی که در طیف قدرت و نفوذ امپریالسیم #آمریکا بود، و باید حوادث آمریکا اثر می‌بخشید؛ چرا در ایران این اثر را بخشید؟ تمام حوادثی که در جهان اتفاق می‌افتاد که ساده‌اندیشان و ساده‌لوحان و فرمول‌های کهنه‌گرایان مایلند حوادث ایران و جنبش عظیم و عمومی ایران را با آن تحلیل کنند، هیچ‌کدام کافی نبود که یک ملت را، آن‌هم با آن فرهنگ استعماری، آن‌هم با پنجاه سال نظام اختناق و فشار پهلوی این‌گونه به حرکت دربیآورد؛ یک عامل معنوی لازم بود، یک عامل روحانی لازم بود، یک #قدرت‌نمایی\_خداگونه لازم بود. ملت ایران ناگهان در مقابل این حادثه و عظمتش احساس کرد که عمق درد و عمق فاجعه‌ای که بر ایران

می‌گذرد چه اندازه است؛ ملت احساس کرد که باید به این رهبر اظهار وفاداری کند. کسی که چهارده سال است عکسش، نامش، رساله‌اش، یارانش، افکارش و عقایدش همه در این مملکت قاچاق معرفی شده است، کسی که بزرگ‌ترین جرم‌ها طرف‌داری او است، کسی که دشمنان جهانی با تجربه خود و با استفاده از دستگاه‌ها و سرویس‌های اطلاعاتی خود به‌درستی تشخیص داده‌اند که دشمنان واقعی و نهایی آنان در ایران او است، اکنون در صحنه ظاهر شده است؛ مردم ناگهان در محبت او، در طرف‌داری او، در اخلاص و اظهار صمیمیت نسبت به او، احساس وظیفه کرده‌اند، احساس انگیزه و انگیزش کرده‌اند. مردم حرکت کردند. (بیانات در مسجد اعظم قم به‌مناسبت دومین سالگرد شهادت آیت‌الله سیدمصطفی خمینی، 1358.7.30)

دستگاه جبار ناگهان در مقابل یک حادثه حساب‌نشدۀ قرار گرفت؛ او نمی‌اندیشید که یک شهادت این‌گونه مردم را حرکت بدهد؛ مغزهای حساب‌گر #ساواک و #سیا و #موساد نمی‌توانستند عمق مسئله را درک کنند و گوشه‌های روحانی و معنوی آن را ببینند؛ فکر نمی‌کردند حادثه این همه با موج عکس‌العمل عظیم روبرو شود. فکر کردند باید این نام‌را، این چهره منور را در مقابل مردم ساقط کنند، آن مقاله را نوشتند. قم قیام کرد. ملت قیام کرد؛ ملت در قم متبلور بود. روحانیت نهاد سمبلیک ملت است؛ هر جا روحانیت حرکت

می کند ملت هم حرکت می کند. در هر جهتی که روحانیت مترقی و محبوب گام میگذارد، ملت گام می گذارد. این واحدی که به نام #حوزه\_علمیه در شهر طیب #قم سال ها است پابرجا است، فقط یک دانشگاه نیست. آن را فقط یک دانشگاه ندانید، مجمع پرورشگاه رهبران فکری و شرعی و مذهبی و اسلامی این امت است. هر طلبه کوچکی، هر کم سن و سالی که در مدرسه‌ای درس می خواند، برای این که فقیه‌ی بشود بر طبق بافت اصیل جامعه ایرانی و اسلامی و شیعی ما، بالقوه یک رهبر است. اینجا مجمع پرورش رهبران فکری است. مجموعه‌ای است از آن کسانی که در راه پیامبران گام برمی دارند؛ مجموعه‌ای است از کسانی که میخواهند «الْعُلَمَاءُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ» بشوند. هر جا که حوزه علمیه‌ی قم می‌رود در حقیقت ملت ایران می‌رود. این هم یک محاسبه است؛ یک محاسبه دقیق که باز با فرمول‌های عادی جامعه‌شناسان مادی تطبیق نمیکند.

■ آنچه می‌گویم روحانی‌گرایی و آخوندگرایی نیست؛ این دیدنِ یک واقعیت □ است. یک طلبه در یک شهر، در یک ده، در یک مملکت، در یک استان چه می‌کند؛ این زبان سخنور، این دل پارسا، این جسم بی‌توقع، این موجودی که به کم قانع است برای این که بار زیادی را بر دوش بگیرد او در اینجا چه می‌کند؟ او می‌آموزد. چه می‌آموزد؟ #دین. دین چیست؟ اصیل‌ترین نهادی که

بحمدلله در این مملکت همچنان بر روح و بر ذهن انسان‌ها حاکم است و البته  
حاکم خواهد بود.

وقتی قم، قیام می‌کند یعنی ملت قیام می‌کند. قم را یک شهر کوچک صد □ □  
هزار نفری و دویست هزار نفری ندانید، حوزه علمیّه را یک دانشگاه ده هزار  
نفری و پانزده هزار نفری ندانید؛ آن جام جهان‌بینی است که همه ملت را باید  
در آن ببینید.

قم قیام کرد، ایران قیام کرد؛ #تبریز کشته داد، #یزد کشته داد؛ #اصفهان  
کشته داد؛ ملت سخاوتمندانه خون داد و جان داد. گردونه جنبش، گردونه  
انقلاب به غلتک افتاد؛ حادثه‌ها در پی یکدیگر تضاد درونی دستگاه حاکم را  
تشدید کردند، #جنبش\_اسلامی را تسریع کردند. دستگاه جبار در وضعی قرار  
گرفته بود که به هر طرف می‌چرخید و می‌گردید [ضربه] می‌خورد؛ برای او راه  
پیش و راه پس وجود نداشت و در تضادی گیر کرده بود... (بیانات در مسجد  
اعظم قم به مناسبت دومین سالگرد شهادت آیت‌الله سیدمصطفی خمینی،

1358.7.30)